



بی‌شناسنامه‌های جنوب کرمان نه درس می‌خوانند، نه یارانه می‌گیرند، نه...

پدر، مادر، ما متهمیم؟

ترانه‌بینی‌عقوب
گزارش نویسن

و خواهر و برادرش نیستند که عمری است بی‌شناسنامه زندگی می‌کنند، خانواده‌های دیگری هم هستند که وضعیت کاملاً مشابهی دارند مثل رقیه و بچه‌هایش، مثل فاطمه و پسرش شادمهر و دخترش مهتاب. مثل خیلی‌های دیگر. اینجا درد بی‌شناسنامه ماندن غصه‌ای مشترک است. شناسنامه برای آنها یعنی یارانه، یعنی کارت‌ملی، یعنی درس خواندن بچه‌ها، یعنی استفاده از خدمات بهداشتی و درمانی و خیلی چیزهای دیگر. وقتی

شناسنامه نداری و جزو جمعیت کشور نیستی، هیچ جابه حساب نمی‌آیی، اصلاً نیستی که برایت فکری بکنند. زهرا با اینکه هیچ‌وقت درس نخوانده و به قول خودش نمی‌تواند یک شماره تلفن هم بگیرد اما خیلی خوب وضعیتی‌اش را شرح می‌دهد؛ اینکه نه ازدواجش ثبت شده، نه تپلاش. نامش را البته در شناسنامه بچه‌هایش نوشته‌اند واین تنها برکه هویتی است که ثابت می‌کند او وجود دارد: «پدرو مادرم از عشایر کوچ‌نشین هستند وبا اینکه حالا

۴۰ سال است اینجا در رستم آباد رودبار زندگی می‌کنند اما هنوز شناسنامه نگرفته‌اند. نمی‌دانی مادرم که مریض می‌شود چه مکافاتی داریم. همین بار آخر مریضی‌اش مجبور شدیم یکی از دو گوسفندمان را بفروشیم و خرجش کنیم چون هیچ بیمه‌ای نداریم. اگر شناسنامه داشتیم ما هم بیمه سلامت می‌گرفتیم.» یکی از حسرت‌های زندگی او رای دادن است. روزهای رای‌گیری می‌نشیند و به صف رای‌دهندگان

خیره می‌شود و رؤیا می‌بافد، رؤیای روزی که بتواند به حساب بیاید و مثل بقیه رای بدهد: «یک بار یکی گفت چرا تو رای نمی‌دهی؟ گفتم آخر من بدبخت شناسنامه دارم که رای بدهم؟ گفتم چرا نمک روی زخمم می‌پاشی؟ من اگر شناسنامه داشتم اول از همه پای صندوق بودم. حتی تپلاقم ثبت نشده. شوهرم شیشه‌ای بود، مجبور شدم جدا شوم.

باورکن بی‌شناسنامه بودن از مریضی و سرطان هم بدتر است. باعث شده ناراحتی اعصاب بگیرم آنقدر که هر جا می‌روم خجالت می‌کنم حتی یک دکتر ساده. دوست داشتم درس بخوانم، خیلی کارهای دیگر بکنم اما با کدام شناسما؟»

زهرا خیلی تلاش کرده شناسنامه بگیرد و بارها به ثبت احوال مراجعه کرده اما گفته‌اند باید همه فامیل با مدارک شناسایی بیایند و تأییدش کنند ولی کسی حاضر نیست این کار را بکند چون فکر می‌کنند ممکن است برای‌شان دردسر شود. شاید آزمایش خونی هم در کار باشد اما همه این‌ها دردسر بزرگی است. زهرا مانده چه کند و حالا به من التماس می‌کند کمکش کنم. می‌گويد حرف‌هایم را به گوش همه برسان!

فاطمه در باقرآباد رودبار زندگی می‌کند. خودش شناسنامه دارد اما بچه‌هایش نه. شوهرش که معتاد شد و رهایشان کرد، بچه‌ها ماندند بی‌شناسنامه. حالا هم اصلاً الان نمی‌داند کجاست و چه می‌کند. فاطمه حتی دقیق نمی‌داند بچه‌ها چند ساله‌اند: «می‌دانی چه کی زلزله آمد، پسر من هم همان موقع به دنیا آمد. مهتاب هم ۱۳- ۱۴ سالی باید داشته باشد. هر دوی بی‌شناسنامه‌اند و بی‌سواد، حتی یک روز هم مدرسه نرفته‌اند. بچه‌های فامیل را که می‌بینند خیلی غصه می‌خورند و با حسرت به دفتر و کتاب‌شان خیره می‌شوند. کتاب‌ها را ورق می‌زنند و عکس‌ها را تماشا می‌کنند.»

بارها پیش‌عموی بچه‌ها رفته و خواسته کمکشان کند برای بچه‌ها شناسنامه بگیرد اما گفته به او مربوط نیست: «اگر بچه‌ها شناسنامه بگیرند، می‌توانند مدرسه بروند، می‌توانند دفترچه بیمه بگیرند و موقع مریضی دکتر بروند. این جور ی مجبورند آنقدر در خانه بمانند تا خوب شوند یا مجبورند از دفترچه بیمه این و آن استفاده کنند.»

رقیه حاصل ازدواج مادری است ایرانی و پدری افغان. خودش هم با

ندارند و اینجا به آنها لب مرزی می‌گویند که بیشتر عشایرند... کسانی که مادر ایرانی و پدر افغان دارند تا همین سال گذشته هیچ مدرک هویتی نداشتند و فقط مادرها شناسنامه داشتند و بقیه بی‌شناسنامه بودند. ما آنها را سوار اتوبوس کردیم و از اداره کل اتباع خارجی استان برایشان برگه هویتی گرفتیم؛ یک برگه تردد که در واقع برای این دویست نفر اولین برگه هویتی محسوب می‌شود. الان فقط با همین کد اتباع یا شماره ملی مدارس به بچه‌ها کتاب می‌دهند و اگر کسی هیچ‌کدام را نداشته باشد کاملاً از تحصیل باز می‌ماند. بچه‌ها قربانیان بیگناه این مسأله هستند.»

او امیدوار است با اجرایی شدن هرچه سریع‌تر قانون تابعیت فرزندان حاصل ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی، ۵۰ خانواری که عضو مؤسسه آنها هستند بتوانند شناسنامه بگیرند. او همچنین از همه مسئولان و مؤسسه‌های غیردولتی فعال در این زمینه درخواست کمک می‌کند تا بتوانند درباره منع تردد همفکری کنند چون تا این موضوع حل نشود خیلی‌ها نمی‌توانند برای گرفتن شناسنامه یا هر برگه هویتی دیگری اقدام کنند.

قانون اعطای تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی در مجلس شورای اسلامی تصویب شده و دولت نیز آن را به همه دستگاه‌ها ابلاغ کرده و آیین‌نامه اجرایی‌اش به‌زودی ابلاغ خواهد شد. تاکنون نیز چند نفری توانسته‌اند با همین قانون و با اخذ سند تابعیت از وزارت خارجه، تابعیت ایرانی بگیرند. رقیه و فاطمه و زهرا و خیلی‌های دیگر در انتظار گرفتن شناسنامه هستند هرچند اگر این قانون و دیگر قوانین سر در نیآورند. اما آنها فکر می‌کنند حتماً می‌توان راهی پیدا کرد. آنها فقط یک خواسته دارند و آن اینکه مثل بقیه به حساب بیایند و عضوی از جمعیت کشور شوند.

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول به حل شرح دوم بپردازید.

- انسان-مارکی برکفش-فیلمی به‌کارگردانی«جورایت»
- یکی ازویتامین‌های محلول در چربی- ترسو- دردو مرض
- بزرگوار- گوشه‌گیر- برادرعرب
- خوراک مرغ- کشاورز- تردید- ثبات
- سازمان نظامی سنتی ایران- دختر خالدار- فرمان
- بالا- بازگیر سریال ایرانی «لژوینر»- پسوند خواستن
- اتر- ویلیام فالکنتر- معادل فارسی «ایتکت»
- عمودی:
- رئیس‌جمهور «نپال»
- ساعت سوئیسی- سرامیک لعاب‌دار- یکی از کلانشهرهای کشورمان
- نوعی شیرینی- ممکن- آخر
- روستایی از توابع «تنگستان» پوشهر- آموزگار- مرغ می‌رود- ناموس
- پاکدامنی- بی‌موقع- همان «بس» است
- کچل- موکت- تنوره
- کلام‌شگفتی- اکسیدآلومینیم خاک- شهری‌در«روسیه»
- بیماری قند- ایزدی در آئین ایرانیان باستان- دانشگاهی‌در«استانبول»
- روادید- روی خط بودن در اصطلاح فضای اینترنت- حرف نفرت
- شهرتفرجگاه«دریاچه‌طشک»- صلح- تیرپیکاندار
- سرراست- ناوارد- محکم‌واس‌توار
- وسپله‌رودگری- چاشنی ادویه‌دار- کلمه‌خطاب- بخشش
- دبدبن- امریه‌م‌اندن- از مصالح ساختمانی
- توان- لاله‌زار- فامیل
- اتری‌از«گریگوریوم‌رتینزسیرا»- ادب‌اسپانیایی

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	حل جدول ویژه شماره ۷۳۳۲۳
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰	
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵	۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵	
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰	۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵	۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰	۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵	
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰	۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵	۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰	
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵	۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰	۱۰۱	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۵	
۱۰۶	۱۰۷	۱۰۸	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۱	۱۱۲	۱۱۳	۱۱۴	۱۱۵	۱۱۶	۱۱۷	۱۱۸	۱۱۹	۱۲۰	
۱۲۱	۱۲۲	۱۲۳	۱۲۴	۱۲۵	۱۲۶	۱۲۷	۱۲۸	۱۲۹	۱۳۰	۱۳۱	۱۳۲	۱۳۳	۱۳۴	۱۳۵	
۱۳۶	۱۳۷	۱۳۸	۱۳۹	۱۴۰	۱۴۱	۱۴۲	۱۴۳	۱۴۴	۱۴۵	۱۴۶	۱۴۷	۱۴۸	۱۴۹	۱۵۰	
۱۵۱	۱۵۲	۱۵۳	۱۵۴	۱۵۵	۱۵۶	۱۵۷	۱۵۸	۱۵۹	۱۶۰	۱۶۱	۱۶۲	۱۶۳	۱۶۴	۱۶۵	
۱۶۶	۱۶۷	۱۶۸	۱۶۹	۱۷۰	۱۷۱	۱۷۲	۱۷۳	۱۷۴	۱۷۵	۱۷۶	۱۷۷	۱۷۸	۱۷۹	۱۸۰	
۱۸۱	۱۸۲	۱۸۳	۱۸۴	۱۸۵	۱۸۶	۱۸۷	۱۸۸	۱۸۹	۱۹۰	۱۹۱	۱۹۲	۱۹۳	۱۹۴	۱۹۵	
۱۹۶	۱۹۷	۱۹۸	۱۹۹	۲۰۰	۲۰۱	۲۰۲	۲۰۳	۲۰۴	۲۰۵	۲۰۶	۲۰۷	۲۰۸	۲۰۹	۲۱۰	

- افقی:
- پارگی جزئی فرش- متولد شده- تلفن شخصی قابل حمل
- اتپوهی- خلاص شده، آسوده- بی آبرو
- نام- کلاه‌فرنگی- بایمان- جوی آب
- زیرپامنده- امریه‌خودداری‌از جنگ- بی‌فایده‌وناراست
- تاپلوی، «رنوار»- نویسنده- رmq
- نیست شدن- عاشق شدن- جاده، طریق
- فیلم «مهدی صباغ‌زاده»- حرفی سرکش‌دار- از حواریون خائن
- بخشش- ماهی کنسروی- ماه‌میلا دی
- مهرراز- از سبزی‌های خوشبو- بهنجار
- مرد بی‌فرزند- ظاهرشونده- بزرگ‌مرد
- پسوند شباهت- اختصار «وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران»- امریه‌ساییدن- حمام‌معروف کاشان
- سران، بزرگان- یک ششم‌ملک- وسیله‌روفتن
- هرنوع زیورمتن- مفصل- پیمان نظامی غربی
- ثبت‌نام- دستگاهی برای اندازه‌گیری وزن بارهای تجارتی

- عمودی:
- بازیرگر مجموعه طنز «پدر پرسی» (در حال پخش از شبکه‌۵سپما)
- آموزشگاه- سالن انتظار هتل- قلعه‌ویرج
- دهنه- علاج، درمان- برادر خشایار شاه
- شیرینی تولد- پشتگرمی- مقابل «روز»- اشاره نزدیک
- به معنی سرپرست اصطبل هم آمده- کشوری در آفریقا- اشاره به ذات حق
- سد ایرانی- خواندن شهادتین- خرده گرفتن
- قیل از حروف انگلیسی G- هلی کوپتر- نشسته
- سقر جودینی- فریاد عدالت- پیرومانی
- اندیشمند و سیاستمدار واقع‌بین هندی- مکانی عمومی برای استفاده از اینترنت- هدیه‌شاخه‌ای!
- بیماری گواتر را در قدیم می‌گفتند- مادر حضرت مهدی (عج)- الفبای عمران
- شاه‌شاعرانه- مقابل تنی- جاننده
- خرمای هند- علم پزشکی- یاز «همایون»- الفت
- مجموع کارکنان یک اداره- شیوه کار یا رفتار- کت مشکی رسمی
- بیهوده‌وبی معنی- کمیاب- شهری در «ژاپن»
- فیلمی به‌کارگردانی «مصطفی کیایی» با حضور بهرام‌رادان

- افقی:
- بوساداران- یکی از محصولات و خودروهای سواری «کرمان موتور»
- آهسته- نام «پاستور»- شهره‌کنید جلیبه»
- هوشمندترین جانور آریز- دستگاه‌ذخیره‌برق- گریزان
- متحد- امر به‌لا زدن- گونه‌ای طلاق- سخت
- شالوده- وسایل و ادوات جنگ- بزرگان
- میانه- اشعه پرتنکی- لهیب آتش
- گماشته و نماینده- واحد پول آنگولا- قایق کوچک چوبی که بابارورانده می‌شود
- گلی خوشبو- رمان نویس «فراسوی»- نوازنده